| تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۲۹ |

بررسی مؤلفهٔ سازگاری مدل هوش هیجانی بار- ان و روش‌های پرورش آن در سنّت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام)

آزاده جعفری

کارشناسی ارشد رشتهٔ نهج البلاغه دانشکدهٔ اهل البیت (علیهم‌السلام) دانشگاه اصفهان. اصفهان. ایران.

Azadejaafari2013@gmail.com

امیرحسین بانکی‌پور

استادیار دانشکدهٔ اهل بیت دانشگاه اصفهان. اصفهان. ایران

A.bankipoor@ahl.ui.ac.ir

سیده راضیه طبائیان

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان. اصفهان. ایران.

S.r.tabaeian@edu.ui.ac.ir

چکیده

هـدف پژوهش حاضر بررسی و استخـراج روش‌های پرورش مؤلفهٔ سازگاری مـدل هـوش هیجانـی بـار-ان بـود. روش جمـع‌آوری داده‌هـا کتابخانـه‌ای و با روش تحلیـل محتوا انجام شد. سـه خرده‌مؤلفهٔ سازگـاری «انعطاف‌پذیری، حل مسئلـه و آزمـون واقعیت» در سنّـت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السـلام) بررسی شد. انعطاف‌پذیـری در سنت و سیـرهٔ امام علی (علیه‌السلام)، عقایـد و اصول را دربر نمی‌گیـرد و رفـق و مدارا در هنگام مشاهدهٔ ظلم و گناه و تجاوز به حقوق دیگران و پایمال‌شـدن اصول اسلام مذموم بـوده و مداهنه نامیده می‌شود و در چنین مواقعی بایـد با خشونت و شدت با آن برخورد کرد. روش‌های پرورش این مؤلفه در سنّت و سیـرهٔ امام علی(علیه‌السـلام)، کسب صفت رفق و مـدارا و شناخت، آگاهی و پذیـرش تفاوت‌های بیـن فردی بود. روش‌های پـرورش خرده‌مؤلفهٔ حل مسئله در سنـت و سیرهٔ امـام علی (علیه‌السلام) عبارت بود از فکـر و اندیشه دربارهٔ مسئله، توکّـل بر خداوند و مشورت‌کردن با افـراد واجد شرایط. خرده‌مؤلفهٔ آزمون واقعیّت

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

دربـارهٔ دیدن واقعیت‌ها است، ولی سنت و سیـرهٔ امام علی (علیه‌السلام)، راه‌های رسیـدن بـه حقیقت‌ها و واقعیّت‌ها را پیـش روی انسان قرار داده بـود که این راه‌ها عبارت بود از: لزوم ضرورت و کوشش مداوم برای رسیدن به حقیقت، لزوم صبر و استقامت و تحمّل مشکلات برای رسیدن به حقیقت، عبرت از حوادث عبرت‌آموز و عقوبت قیامت و تقوای الهی، لزوم پرهیز از خیال‌بافی و داشتن برهان از پروردگار و یـا حجّتی آشکار، لزوم پیروی از اولیای خدا و اهـل بیت پیامبر و تکیه‌نکردن بر نادانی خویش و پیروی‌نکردن از هوای نفس، لزوم پرهیز از دنیا و حجاب‌های پندار این عالم و غفلت از خود و خودفریبی.

کلیدواژه‌هـا: مؤلفـه سازگـاری، هـوش هیجانی، سنّـت و سیره، امـام علی (علیه‌السلام)، بار-ان.

مقدمه

پژوهش‌هـای نویـن نشان می‌دهد که هـوش شناختی به‌تنهایـی برای رساندن انسـان به سعادت و موفقیّت کافی نیست و انسان برای رسیدن به موفّقیت‌های فردی و اجتماعی به هوش هیجانی نیازمند اسـت. در زمینهٔ هوش هیجانی تعاریف و مدل‌های متعدّدی ارائه شده است. ازجمله مهم‌ترین این مدل‌هـا، مدل هوش هیجانی دانیل گلمن[1] مدل مایر و سالـوی،[2] مدل دولویکس و هیگس[3] و مدل بـار-ان است. از دیدگاه بار-ان (۱۹۹۷) هوش هیجانی شامل مجموعه‌ای از توانایی‌ها و کفایت‌ها و مهارت‌هـای غیرشناختـی است که توانایی فـرد را برای کسب موفقیّـت در مقابله با احتیاجات و فشارهـای محیطی تحت تأثیر قرار می‌دهد. صفات هیجانـی در این نوع هوش، رکن اساسی است که آن را از هوش شناختی متمایز می‌کند و کاربردها و تأثیرات مهمی بر فعالیت‌های گوناگون آدمی چـون رهبری، مدیریـت، توسعهٔ حرفه‌ای یا شغلی، زندگی خانوادگـی و زناشویی و ازدواج، تعلیم، تربیت روابط اجتماعی و سلامت جسمی و بهزیستی روانی داشته باشد (نوری امام زاده‌ای، ۱۳۸۸: ص ۲۵). به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، هوش هیجانی در زندگی عادی اهمیت زیادی دارد پس باید هوش هیجانی را شناخت و در جهت تقویّت و پرورش آن کوشید. مدل هوش هیجانی بار-ان

1. Goleman daniel.
2. Mayer & Salovey.
3. Duluyks & Higgs.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

شامـل پنج مؤلّفهٔ کلّی است که عبارت‌انـد از: مهارت‌های درون‌فـردی،[1] مهارت‌های بین فردی،[2] مهارت‌های سازگاری،[3] مهارت‌های مهارتنیدگی و[4] مهارت‌های خلق کلّی[5].

پژوهشگـر مؤلّفـهٔ سازگاری را بررسی می‌کنـد، زیرا امروزه انسان در دنیایـی زندگی می‌کند که بیش از هر زمان دیگری نیازمند سازگاری است. بدون شک داشتن سازگاری می‌تواند نقش بسزایی در زندگـی افـراد داشته باشد. تلاش بـرای داشتن یک زندگـی دور از تنش و پرخـاش و مشکلات رفتـاری، موجب آسایـش روح و سلامت خانـواده و اجتماع است. بعضی افـراد در محیط خانه و محـل کـار، یا در محله و منطقهٔ سکونت با دیگران ناسازگارند که نشانهٔ نوعی غرور و خودخواهی و خودبرتربینـی نسبت‌بـه مردم است و نتیجهٔ آن هم تنهاماندن و انـزوا است؛ ازسوی‌دیگر، بی‌طاقتی درمقابـل حـالات و رفتار دشوار و ناهنجـار دیگران نیز ریشـه در کم‌ظرفیتی دارد و بـه تشدید این تعارض و ناسازگاری می‌انجامد. ازآنجاکه عدم مهارت سازگاری، افزایش نزاع در جامعه، فروپاشی خانواده‌ها و مشکلات روانی متعدد را به دنبال دارد، بررسی این مؤلفه و استخراج روش‌های پرورش آن بر ضرورت این کار می‌افزاید.

مؤلّفـهٔ سازگـاری در مدل هـوش هیجانی بارـان شامل سـه خرده‌مؤلّفـهٔ انعطاف‌پذیری[6]، حل مسئلـه[7] و آزمـون واقعیت[8] اسـت (بار-ان، ۲۰۰۶). ازنظـر ورشل و گوتالـز[9] (۱۹۸۹) سازگاری، عبارت است از وظیفهٔ روزمرهٔ ما در کنارآمدن با خود، محیط خویش و کسانی که با آنان در ارتباط هستیم (محفوظی و جان بزرگی، ۱۳۷۷). در تعریف دیگر، عبارت است از توانایی آمیزش، انطباق، مصالحه، همکاری و کنارآمدن با خود، محیط و دیگران (فولادی، ۱۳۸۳: ص۲۵).

خرده‌مؤلّفـهٔ انعطاف‌پذیـری عبارت است از توانایی منطبق‌کـردن عواطف، افکار و رفتار در موقعیّت‌هـا و شرایط دائماً در حـال تغییر. افراد انعطاف‌پذیر، افرادی موظّـف، فعّال و قادر به تغییر بـدون تعصّب بـه ایده‌ها و جهت‌گیری‌ها هستند (بـارـان). انعطاف پذیری توانایـی انطباق افراد با

1. Skill of intrapersonal.
2. Skill of intrepersonal.
3. Skill of adaptability.
4. Skill of management.
5. Skill of general mood.
6. Flexible.
7. Problem-Solution.
8. Real-Test.
9 .worchel & goethals.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

رویداد های جدید است (پاینه[1] و همکاران، ۱۹۹۳). انعطاف‌پذیری یک فرایند پویا تعریف می‌شود که مسئول ایجاد انطباق[2] مثبت، باوجود تجارب مخالف یا تروماتیک در فرد است. انعطاف‌پذیری ساختارهایی مرتبط بـا سازگاری هستند. سازگاری مبتنی‌بر وظیفه[3] با انعطاف‌پذیری ارتباط مستقیم دارد (فرهودیان، ۱۳۸۴).

خرده‌مؤلّفهٔ حل مسئله عبارت است از: توانایی شناسایی و تعریف مشکلات، داشتن کفایت و انگیزه برای مقابلهٔ مؤثّر با آن، تعیین راه حل‌های مختلف مسئله، تصمیم‌گیری و انجام یکی از راه حل‌ها (بار-ان، ۲۰۰۶). طبق پژوهش‌های انجام‌شدهٔ داخلی و خارجی بین حل مسئله و سازگاری رابطـه وجـود دارد. دزوریلا و شیدی[4] الیوت[5] و حجاّری و همکاران بـه این نتیجه رسیده‌اند که بین حل مسئله و سازگاری رابطهٔ معنادار وجود دارد (حجّاری، امیری، محمدیان و ملک پور، ۱۳۸۵). حـل مسئله فرایندی ساده است کـه به‌راحتی می‌توان آن را آموخت. در ایـن رویکرد، فرد می‌آموزد کـه چگونه با شیوه‌های صحیح و کارآمد مشکـل را تعریف و بررسی کرده و برای حل آن اقدام کند (ثابتی، شهنی ییلاق، ۱۳۷۷)؛ بنابراین، برای توانایی در مؤلّفه سازگاری، باید شیوه‌های حل مسئله را آموخت.

خـرده مؤلّفـهٔ آزمون واقعّیت عبـارت است از: توانایی سنجش میـزان انطباق بین آنچه فرد تجربه کرده و آنچه واقعاً وجود دارد، تلاش برای فهم امور به‌طور صحیح و تجربهٔ رویدادها آن‌گونه کـه واقعـاً هستند بدون خیال‌پردازی (بـارـان، ۲۰۰۶). از دیدگاه بـارـان توانایی در سنجش میزان انطباق بین آنچه واقعاً وجود دارد با آنچه تجربه کرده است و رسیدن انسان به واقعیّت‌ها او را سازگار می‌کند.

این پژوهش بر آن بود که خرده‌مؤلّفه‌های سازگاری را در سنّت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام) بررسـی کند؛ زیـرا سازگاری در زندگانی مبـارک ایشان جایگاه برجستـه‌ای دارد و دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) را دربارهٔ این خرده مؤلّفه‌ها و همچنین، روش‌های پرورش آنها را در سنّت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام) استخراج کند؛ چراکه هر مسلمان برای پیمودن راه سعادت و بندگی به الگوهای مطمئن و عملی نیازمند است و ازآنجاکه معصومین (علیهم‌السلام) بهترین و مطمئن‌ترین الگوهای

1. Payne.
2. Adaptation.
3. Task- oriented coping.
4. Dzurilla,t.j.,sheedy,c.f.
5. Elliot.t.r.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

تربیتـی بوده و ارائـهٔ دیدگاه‌ها و کشـف و عرضهٔ تربیتی آنهـا ضرورتی انکارناپذیر بـرای پویندگان عرصـهٔ تعلیم و تربیت است؛ ازاین‌رو، ارائهٔ دیدگاه‌ها و سیرهٔ تربیتی امام علی (علیه‌السلام) که خود اَبوالائمه و سرآغاز تجلّی‌گاه امامت معصومین (علیهم‌السلام) است بر ضرورت این کار می‌افزاید. از ویژگی‌هـای برجستهٔ امام علـی (علیه‌السلام) اهتمام فراوان ایشان بـه تربیّت و رساندن انسان به بالاتریـن درجه‌هـای علمی و معنوی اسـت و ازآنجاکه تنها هوش شناختی بـرای کسب موفقیّت و رستگـاری در زندگی کافـی نیست، ضرورت بررسی و تطبیق مؤلّفه‌های هـوش هیجانی با سنّت و سیـرهٔ امام علی (علیه‌السلام) همچنین، استخراج روش‌های پرورش این مؤلّفه‌ها به‌عنوان قسمی از تربیـت که منجربه اعتلای زندگی فردی و اجتماعی می‌شـود در سنّت و سیرهٔ این امام همام، امری انکارناپذیر است.

خرده‌مؤلفهٔ انعطاف‌پذیری در سنّت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام)

دین اسلام کامل‌ترین دین الهی است و دارای برنامه‌ای جامع برای رساندن بشر به سعادت در دنیا و آخرت است. احکام آن پر نغز و آکنده از حکمت است. ویژگی‌های انعطاف‌پذیری و سادگی دارد و بدان‌گونه نیست که مکلّف را در سختی و تنگنا قرار دهند. خداوند تعالی، هدف از شریعت احکام را آسودگی بندگان ذکر کرده، نه مشقّت و سختی آنان، نبی اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) نیز از شریعت اسلامی با عنوان «سمحه و سهله» یاد کرده‌اند (بمانعلی منگابادی و غلامیان، ۱۳۹۱). انعطاف‌پذیـری در شریعـت اسلام به معنای عقب‌نشینی از اصول یا وادادگی نیست که این هر دو با عقیدتی بدون اصول و واقع‌گرایی عملی آنها منافات دارد؛ زیرا عقیدتی و واقع‌گرابودن، باعث ثبات شالوده‌های عقیدتی و مفاهیم دیدگاهی و ثبات نظام و روبنایی است که بر پایهٔ آن دیدگاه مستحکم شکـل گرفته است؛ بنابراین، انعطاف‌پذیـری به معنای تاکتیک و گام‌به‌گامی واقع‌گرایانه‌ای است که فشارهای واقعیّت را مورد توجه قرار می‌دهد و هدف از آن ژرفابخشیدن به دیدگاه اصیل و نتیجه‌گیری اجزای نظام به بهترین شکل است؛ بنابراین، انعطاف‌پذیری، انتخاب موضع موقّت و گذرایی است که برای حفظ موضع کلی، بسته به اوضاع و احوال، تغییر می‌کند ولی عامل انعطاف‌پذیری، عقاید را دربر نمی‌گیرد؛ آنها مطلقاً ثابت‌اند و تحت فشار واقعیّت‌ها تغییر نمی‌پذیرند. بقا و توانایی اسلام دربر گیرندگی همهٔ دگرگونی‌ها و پیشرفت‌ها و چالش‌ها نیز در همین نکته نهفته است. احکام ثانویه بیانگر انعطاف‌پذیری شرع است (تسخیری، ۱۳۹۲).

نمونـه‌ای از انعطاف‌پذیـری در سورهٔ بقره در باب تحریم گوشـت مردار و خون و گوشت خوک و غیـره اسـت که خداوند می‌فرمایند: «... فَمَنِ اضطُرَّ غَیرَ باغٍ وَ لا عـادٍ فَلا اِثمَ عَلَیهِ» (بقره: ۱۷۳):

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

«...اما اگر کسی ناچار شود، هرگاه بی‌میلی جوید و از حد نگذراند، گناهی مرتکب نشده است».

امـام علی (علیه‌السلام) مردم را به انعطاف‌پذیری دعوت کرده‌اند برای نمونه می‌فرمایند: «وَ لا تَقسیروا اَولادَکُم عَلی آدابِکُم فَاِنَّهم مَخلوقونَ بِزَمانٍ غَیرَ زِمانِکُم» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۸: ج ۲۰، ص ۲۶۷): «فرزنـدان خـود را به نمونه‌گیری از خود وادار نسازیـد، که آنها برای زمانی غیر از زمان شمـا آفریده شده‌انـد. امام می‌فرمایند تربیت فرزندانتان را بـا موقعیّت‌ها و شرایطی که در حال‌تغییر اسـت منطبق کنیـد. همچنین، در جایی دیگـر می‌فرمایند: «مُقارَبَـةُ النّاسِ فی اَخلاقِهِـم اَمنٌ مِن غَوائِلِهِـم» (نهج‌البلاغـه، حکمـت ۴۰۱): «نزدیکـی جستن به مردم در خلق و خـوی آنها موجب در امان‌بـودن از کینـهٔ آنها است». نزدیک‌شدن به مردم در خلق‌وخـو، همان انعطاف‌پذیری و تغییر بـدون تعصّـب نسبت‌به ایده‌ها و جهت‌گیری‌ها است؛ ازطرف دیگر، امـام روحیهٔ انعطاف‌پذیری و سرسختـی دیگران را به‌خوبی درک می‌کردند. برای نمونـه متوجه روحیهٔ انعطاف‌پذیر زبیر و روحیهٔ غیر قابل انعطاف طلحه شده‌اند و در خطبهٔ ۳۱ نهج‌البلاغه پیش از جنگ جمل، هنگامی‌که عبدالله بـن عبـاس را نزد زبیر فرستـاد تا او را به اطاعـت از امـام بازگرداند، خطاب بـه عبدالله بن عباس فرموده‌اند: «با طلحه ابداً ملاقات نکن، زیرا اگر با او روبه‌رو شوی، او را همانند گاو نری می‌یابی که شاخش در هم پیچیده (و می‌خواهد شاخ بزند) با زبیر صحبت کن، زیرا تا اندازه‌ای رام‌تر از طلحه اسـت. شتر سرکش را سوار می‌شود و می‌گوید: ایـن شتر رام است» (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۳۱). امام علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: چون طلحه آدم سر به هوا و مغرور است؛ ازاین‌رو، چیزهای بزرگ را کوچک می‌شمرد ولی با زبیر ملاقات کن زیرا طبیعت او نرم‌تر از طلحه است و می‌شود با او حرف زد. با او ملاقات کن و با او سخن بگو (منتظری، ۱۳۶۲: ص ۷). امام در این بیان به انعطاف‌پذیری زبیر و علامت انعطاف وی که همان نرمی است اشاره دارند.

روش پرورش خرده‌مؤلفهٔ انعطاف‌پذیری در سنّت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام)

الف ـ کسب صفت رفق و مدارا

از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام)یکی از پرورش‌های مؤلفهٔ انعطاف‌پذیری، ایجاد و پرورش صفت رفق و مدارا است. رفق از واژگان هم‌معنای حلم است. احادیث فراوانی در معنا و فضیلت رفق آمده اسـت. ازجملـه رسول خدا (صلی اللـه و علیه و آله و سلم) چنین می‌فرماینـد: «لِکُلِّ شَیءٍ قُفلاً وَ قُفـلُ الایمانِ الرِّفق» (نراقـی، ۱۴۲۲: ج۱،ص۳۰۳). برای هر چیزی قفلی است و قفل ایمان، رفق و مدارا است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

در نامهٔ ۴۶ نهج‌البلاغه بهترین معیار برای بیان رفق و واژگان هم‌معنا آمده است: «اَمّا بَعد فَإِنَّکَ مِمَّـن اَستَظهِرُ بِهِ عَلی إِقامَةِ الدّینِ وَ اَقمَعُ بِـهِ نَخوَةَ الاثیم....وَ أَخلِطِ الشِّدَّةَ بِضِغثٍ مَن اللّینِ وَ اَرفَقَ مـا کانَ الرِّفقَ اَرفَقَ...» (نهج‌البلاغـه: نامهٔ ۴۶). امام در این نامه، ظاهراً به فرماندار خود دستورات اخلاقی‌ـاجتماعـی می‌دهد و محور این سخـن در واژگان اخلاقی، رفق است. امام ضمن تأکید بر مـدارای فرماندارانـش با مردم، گوشـزد می‌کند هرجا شدت عمل لازم باشد بایـد در کنار نرمش و مـدارا اجرا شود (شاملی، ۱۳۹۱: صص ۳۰۳-۳۰۰). پس رفـق به معنای سازش و مدارا و نرمش بـدون خشونت و زور است و کسی که دارای ایـن صفت است به‌خوبی می‌تواند هیجانات خشم و به‌کارگیـری زور را مدیریت کند و در برقراری ارتباط با دیگران و حفظ ارتباط موفق باشد. از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) رفق و مدارا به دو قسم ممدوح و مذموم تقسیم می‌شود.

انواع مدارای ممدوح در سنّت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام) عبارت‌اند از:

۱. مـدارا با نفس در هنگام عبـادات مستحبّی: به فرمودهٔ امام علـی (علیه‌السلام)، قلب انسان در دو حالـت میـل و بی‌رغبتی در نوسان اسـت. مؤمن باید در حالتی که قلبـش میل و رغبت دارد بـه عبـادت بپردازد. امام در این‌باره می‌فرمایند: «قلب‌ها را شهوتـی [و میلی] و روی‌آوردنی است و پشت‌کردنـی، پس آن را ازجانب شهوتـش و به دقت روی‌آوری‌اش به‌کار گیریـد، زیرا که دل چون بـا اکراه به کاری واداشته شود، کور می‌شـود» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۹۳). همچنین، می‌فرمایند: «خـادِعِ نَفسَـکَ فِی العِبادَةِ وَارفُق بِها وَلا تَقهَرها وَ خُذ عَفوَها وَ نَشاطَها اِلاّ ما کانَ مَکتوباً عَلَیکَ مِنَ الفَریضَـةِ، فَإِنّـهُ لابُدّ مِن قَضائِها وَ تَعاهُدِها عِندَ مَحَلِّهـا» (نهج‌البلاغه: نامهٔ ۶۹): «نفس خویش را در کـار عبـادت فریـب ده و با او مدارا کن و بر او سخت مگیـر و هنگامی‌که نشاط و فراغت دارد به عبادتـش آر، مگر در عباداتـی که بر تو واجب است، که به ناچار بایـد در زمان معیّن خودش به‌جا آوری». بزرگـان اخلاق در این‌باره می‌فرمایند: اگر علاقه بـه ده رکعت نماز مستحبّی دارید، دوازده رکعـت نخوانیـد زیرا دو رکعت پایانـی که به تحمیل و فشـار و بی‌حوصلگی انجـام گرفته، خاطرهٔ ناخوشایندی از خود در ذهن باقی می‌گذارد و همین تصویر ناخوشایند انگیزه و طلب را برای تکرار عمـل کم می‌کنـد، امّا اگر هشت رکعت خوانده شود لذّتی که از ایـن عمل زنده و پرطراوت تجربه می‌شـود دو نتیجه درپی دارد: اوّل، پیدایـش تصویری دل‌انگیز و خاطره‌های شیرین در ذهن و دوّم، پایداری شوق و عطش و تقاضا برای تکرار عمل (عالم زاده ۱۳۹۱: ص ۱۱۲)؛ بنابراین، باید با نفس خویش در هنگام عبادات مستحبّی مدارا کرد.

۲. مـدارا با مـردم: امام علی (علیه‌السلام) انسـان را به مدارا با دیگران امـر می‌کنند و سلامت زندگـی را نتیجـهٔ مدارا با مردم می‌دانند و می‌فرمایند: «سَلامَةُ العَیـش فِی المُداراةِ» (لیثی واسطی،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

۱۳۷۶، ص ۲۸۵). سلامـت زندگـی در مداراکـردن است. همچنین، در جایـی دیگر می‌فرمایند: «الرِّفقُ یُؤَدِّی إلی السِّلْمِ» (خوانساری، ۱۳۵۹: ج۱، ص ۲۲۷). نرمی و مداراکردن با مردم موجب آشتی می‌شود. مداراکردن نشانهٔ خفّت نیست، بلکه نشان‌دهندهٔ فهم و شعور و سعهٔ صدر مداراکننده است. در ادامه نمونه‌هایی از مدارای حضرت با مردم بیان می‌شود.

طبری می‌گوید:

«چون کوفیان به ذی قار رسیدند، علی (علیه‌السلام) همراه عدّه‌ای از یاران خود به استقبال آنان رفتند و به ایشان خوشامد گفتند و فرمودند: ای مردم کوفه شما با شاهان عجم پیکار کردیـد و صفوف آنـان را درهم شکستید، تاآنجاکه میراث آنان بـه شما رسید، شما ناحیهٔ خـود را محافظت کردیـد و مردمان را بر ضد دشمنانشان یاری رساندید. من اینک شما را فراخوانـدم تا با ما شاهد بـرادران بصری خود باشید. اگر آنان دسـت از نبرد شستند، این همان چیزی است که ما می‌خواهیم و اگر لجاجت نشان دادند با آن مدارا می‌کنیم تا آنکه خـود بنـای ستمگری آغاز کنند و مـا کاری را که باعث صلاح باشـد بر کاری که موجب تباهی شود، ترجیح می‌دهیم. ان‌شاءالله» (امین، ۱۳۷۳: ص ۵۰۱).

نمونهٔ دیگر مدارای امام در جنگ صفین است که حضرت هفده ماه صبر و بردباری و مدارا کردنـد تـا شاید بتوانند معاویـه و عمروعاص را به راه راست هدایت کننـد. در پیکار صفین نصربن مزاحم منقری آمده است:

«نصـر: صالح بن صدقـه از اسماعیل بن زیاد ارشعبی گوید: علی در آغاز رجب از بصره بـه کوفـه آمد و هفده مـاه در آن شهر بماند و در این مدّت نامه‌نگـاری میان او و معاویه و عمروبن عاص جریان داشت» (نصربن مزاحم منقری، ۱۳۸۶: ص ۲۸۴).

همان‌طـور کـه خود امام فرموده‌اند: «کمـالُ الحَزمِ استِصلاحُ الأَضـدادِ و مداراةُ الأعداءِ» (آمـدی، ۱۳۷۷: ج۱، ص ۲۴۵). دوراندیشی به اصلاح درآوردن مخالفان و مداراکردن با دشمنان است.

همچنیـن، حضـرت می‌فرمایند: «وَجَـدتُ المُسالَمَةَ ما لَـم یَکُن وَهنٌ فی الاِسـلام اَنجَحَ مِن القِتالِ» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۱، ص ۵۴۱): «سازش و مسالمت را درصورتی‌که موجب وهن و سستی در اسـلام نباشد، سودمندتر از جنگ و کشتار دیـدم». همچنین، می‌فرمایند: «مَن دارَی النّسُ اَمِنَ مَکـرَ هـم»؛ «مَن دَاری اَضدادَهُ اَمِنَ المحـارب»: «هر کس با مردم مدارا کنـد از مکرشان در امان اسـت» و «هر کس با دشمنانش مدارا کند از جنگ‌هـا در امان است» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۱، صص ۳۵۹ و ۳۶۰).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

انواع مدارای مذموم در سنّت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام)

۱. مـدارا و مداهنه (سازشکـاری) با عیب دوست و برادر: امام علـی (علیه‌السلام) در این‌باره می‌فرماینـد: «شرُّ اخوانک مـن داهنک فی نفسک وَ ساتَرَکَ عَیبَـک»: «بدترین برادر تو آن اسـت کـه دربارهٔ نفـس تو، با تـو سازشکاری کنـد و عیب‌هایت را به تو نگویـد» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۱، ص ۵۴۶). همچنیـن، در بیان خصوصیات دوست خـوب فرموده‌اند: «خَیرُ الإِخـوانِ اَقَلُّهُم مُصانَعَةً فی النَّصیحَةِ»: «بهتریـن برادران کسی است که دربارهٔ خیرخواهی و نصیحـت کمتـر مـدارا و چرب‌زبانی کنـد» (آمـدی، ۱۳۷۷: ج۱، ص ۶۷). همچنین، می‌فرماینـد: «اَمَرنا رَسولُ اللهِ اَن نَلقی اَهلَ المَعاصی بِوُجُوهٍ مُکفَهِرَّةٍ»: «پیامبر اکرم (صلی اللـه و علیه و آله و سلم) به ما دستـور دادند با گناهکاران با چهره‌های درهم برخورد کنیم» (کلینی، ۱۳۸۸: ج۵، ص۵۹).

۲. مـدارا با گناه دیگـران: از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) مؤمن نباید بـا گناه دیگران مدارا و انعطـاف داشته باشد و خودشان هیچ‌گـاه با گناه دیگران مدارا نکردنـد. نمونه‌هایی از عدم انعطاف‌پذیـری ایشان آورده شـده است؛ زمانی‌که حضرت تازه بـه حکومت رسیده بودند و کسانـی مثل مغیرهٔ بـن شعبه و ابن عباس پیشنهاد دادند که حضـرت با معاویه مدارا کند و کـاری به کارش نداشتـه باشد امام علی(علیه‌السلام) نپذیرفتنـد و فرمودند: به خدا قسم مـن در دیـن خود اهل مسامحه و سازش نیستم و در خلافتم به افراد ناصالح مقامی واگذار نمی‌کنـم. مدارای امام علی (علیه‌السـلام) با گروه خوارج تا زمانی ادامه یافت که این گروه دستشان به ظلم و گناه آلوده نشده بود، پس از ظلم و گناه آنها، حضرت مدارا را با اصل امر به معروف و نهی از منکر در تنافی دیدند و به مقابله برخاستند.

ب- شناخت و آگاهی و پذیرش تفاوت‌های بین فردی

اگر انسان از وجود تفاوت‌های جسمی و روحی انسان‌ها با یکدیگر آگاهی و شناخت داشته باشد و این تفاوت‌هـا را بپذیرد، به‌راحتی می‌تواند درمقابل انسان‌های دیگر انعطاف داشته باشد. امام علی (علیه‌السـلام) به تفاوت انسان‌ها اشاره کرده‌اند و می‌فرمایند: «اِنَّ هذه الطّبائعَ مُتَبایِنَة»: «ساختمان طبیعـی و سرشـت مردم از یکدیگر دور و با هم متفاوت اسـت» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۲۲۰). آگاهی از این مطلب سبب پذیرش و انعطاف‌پذیری انسان می‌شود.

پذیرش اصل تفاوت بین انسان‌ها، یکی از مهم‌ترین راهکارهای تحقّق همزیستی مسالمت‌آمیز در یک جامعه است. متفاوت‌بودن و آزادی عقیده یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ذاتی انسان‌ها است

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

و تـا زمانی‌که عقاید و باورهای متفاوت یک فـرد، منجربه توهین، سلطه و تحقیر باور دیگری نشده باشد، نمی‌توان وی را به عدم تسامح و تعصب رفتاری متهم کرد.

اختلاف در باور، عقیده و دیدگاه یکی از ویژگی‌های مشترک بین تمامی انسان‌ها است. انسان‌ها مجموعـه‌ای از باورهـا، افکار، احساسات و رفتار هستند و این فکـر است که احساس و رفتار ما را شکـل می‌دهـد و افرادی که فکر بـاز و انعطاف‌پذیری کافی در باورها و نگـرش خود نداشته باشند و نتواننـد بـه خودشناسی و انسان‌شناسـی صحیح دست یابنـد، نمی‌توانند در برابـر عقاید دیگران همزیستـی مسالمت‌آمیز فکـری داشته باشند. پذیرش اصل تفاوت، یکـی از مهم‌ترین راهکارهای همزیستـی مسالمت‌آمیز بین قومیّت‌ها، فرقه‌ها و مذاهب مختلـف یک جامعه است درصورتی‌که هریک از افراد جامعه اصل تفاوت در انسان را به‌عنوان یک ویژگی ذاتی و درونی آنها بپذیرند می‌توان انتظار داشت افراد یک جامعه باوجود اختلاف سلایق، احساسات، دیدگاه و نگرش‌های مختلف در صلح، آرامش و بدون هیچ‌گونه خشونت، درگیری‌های روحی، روانی و تعصب خاص زندگی کنند؛ درواقع، عدم درک اصل تفاوت‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل خشونت و اختلافات عقیده‌ای و مذهبی در جوامـع سنتی به‌شمار می‌رود به‌طوری‌که در این جوامع افـراد تصور می‌کنند با اعمال رفتارهای تحقیرآمیز همراه با خشونت می‌توان دیگری را وادار به پذیرش دیدگاه خاص کرد. زمانی ناسازگاری مطرح می‌شود که افراد قادر نباشند تفکر و رفتار خود را با محیط و تغییرات آن تطبیق دهند. سازگاری یا عدم سازگاری ارتباط نزدیکی با انعطاف‌پذیری دارد، یک شخصیت سالم باوجود ثبات و پایداری بـه میزانـی از انعطاف‌پذیری بهره می‌برد. اما افراد ناسازگار در برخورد با موقعیّت‌هایی که واکنش به آنها مستلزم تغییرات و تصمیمات جدید است، تفکر و رفتار انعطاف‌ناپذیری از خود بروز می‌دهند (اتکینسون[1] و هیلگارد[2]، ۱۳۹۲).

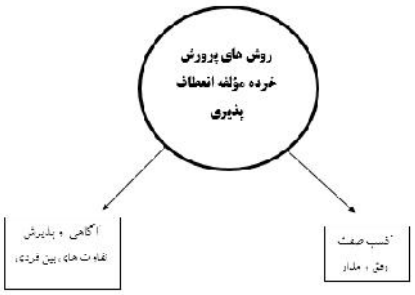

شکل۱. روش‌های پرورش خرده‌مؤلفهٔ انعطاف‌پذیری در سنت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام)

1. Atkinson.
2. Hilgard.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

خرده‌مؤلفهٔ حل مسئله در سنّت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام)

بـه نظر دزوریـلا[1] و نزو[2] (۱۹۹۰؛ به نقل از دزوریلا، شیدی[3]، ۱۹۹۵) حل مسئله از دو مؤلفهٔ عمده تشکیل شده است:

الف- جهت‌گیری به مسئله: جهت‌گیری به مسئله، مؤلفهٔ انگیزشی توانایی حل مسئله را شکل می‌دهنـد. جهت‌گیری به مسئله، خود به دو مؤلفه تقسیم می‌شود، جهت‌گیری مثبت و جهت‌گیری منفـی. افـرادی کـه دارای جهت‌گیـری مثبت بـه مسئله هستنـد، بدون اینکـه دچـار تنیدگی‌های روان‌شناختـی شدید شوند مشکلات روزمرهٔ خـود را به‌راحتی حل می‌کنند. این جهت‌گیری باعث استفـاده از راهبردهای مقابله‌ای مؤثر و کارآمد می‌شود. درصورتی‌که جهت‌گیری منفی به مسئله با راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد و پیامدهای ناخوشایند همراه است که چرخه‌وار جهت‌گیری منفی به مسئله را افزایش می‌دهد (نزو، دزوریلا، ۱۹۹۸؛ به نقل از الیوت[4] و همکاران، ۱۹۹۵).

ب- مهارت حل مسئله: مؤلفهٔ مهارت حل مسئله عبارت است از فعالیت‌های هدفمند خاص کـه فرد را قـادر می‌کنند مشکل یا مسئله را با موفقیت به پایان رساند. این مؤلفه چهار فعالیت است کـه برخی مؤلفان به آنها مراحل حل مسئله گفته‌انـد: ۱. تعریف و ضابطه‌مندی به مسئله؛ ۲. ایجاد راه حل‌های جانشینی؛ ۳. تصمیم‌گیری؛ ۴. انجام و تصریح راه حل، یعنی توانایی انجام، نظارت و ارزیابی راه حل‌ها و پاسخ‌های مقابله‌ای به‌طور مؤثر.

سراسـر زندگانـی امام علی (علیه‌السـلام) پر از فراز و نشیب‌ها و مشکـلات و مسائل متعددی اسـت کـه امام با جهت‌گیری مثبـت دربارهٔ مسائل از پسِ همـهٔ آنها به‌خوبی برآمده‌انـد و با آنها با بهترین راه حل به مقابله برخاسته‌اند. البته در بسیاری از موارد، امام به‌خوبی مشکلات را شناسایی می‌کردنـد و بهتریـن راه حل را ارائه می‌دادند ولی اطرافیان امـام از ایشان پیروی نمی‌کردند. پس از درگذشت پیامبر، امام یگانه مرجع فکری و قضایی بودند، خلفا و یاران رسول خدا (صی الله و علیه و آله و سلم) در حل مشکلات، به امام علی (علیه‌السلام) روی می‌آورند؛ زیرا به چشم خود دیدند پیامبر (صی الله و علیه و آله و سلم)، امام علی (علیه‌السلام) را داناترین امّت به سنّت‌های اسلامی و قوانین قضایی معرفی کردند و فرمودند: «اَعلَمُ اُمَّتی بالسُنَّةِ وَ القَضاءِ علی ابن ابیطالب» (گنجی، ۱۴۰۴ق: ص ۱۹۰). داناترین امت به سنت‌های اسلامی و قوانین قضایی، علی بن ابیطالب است.

1. D-zurilla.
2. Nezu, A. M.
3. Sheedy.
4. Eliot.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

همچنیــن، فرمودند: «أنا مدینَةُ العِلم وَ علیٌ بابُها فَمَــن أَزادَ العِلم فَلیَأتِها مِن بابها»: «من شهر علم هستــم و علــی درب آن است، هرکس بخواهد وارد شهر علم شود، از در آن باید وارد شود» (خطبهٔ غدیــر). امام علی (علیه‌السلام) نه‌تنها در دوران خلفــا بهترین قاضی و یگانه داور به حق بودند، در دوران پیامبر گرامی نیز در یمن و مدینه مرجع قضایی مسلم اسلامی بوده و رسول خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) داوری‌های او را می‌ستودند (سبحانی تبریزی، ۱۳۵۵: صص ۱۲و۱۳).

سکوت امام در دوران برکناری او از مقام خلافت که بیست‌وپنج سال به طول انجامید، سکوت مطلــق بــه معنی دوری از هر نوع مداخلــه در امور رهبری نبود و ایشان مرجــع فکری و یگانه معلم امّــت بودنــد. یکی از خدمات چشمگیر امــام در این دوران رهبری دستگــاه نوبنیاد قضایی بود، هر موقــع دستگــاه قضایــی، با مشکلی روبــه‌رو می‌شد، فوراً مسئلــه را به امام ارجاع مــی‌داد و راه حل آن را خواستــار می‌شــد و گاهــی خود امام بدون آنکــه کسی به وی مراجعه کنــد، خلیفهٔ وقت را که متصّــدی مقــام داوری نیز بود، به اشتباه خود واقف می‌ساخــت و با آنکه خلافت آنان را به رسمیت نمی‌شناخــت با چهرهٔ باز به استقبال مشکلات می‌شتافت و همیشه بهترین راه حل‌ها را ارائه می‌داد و مشکلات و مسائل را به‌خوبی حل می‌کرد (سبحانی تبریزی، ۱۳۵۵: ص ۱۰).

امام علی (علیه‌السلام) همواره در برابر مسائل و مشکلات بهترین راه حل‌ها را اجرا می‌کردند، گاهــی بهتریــن راه حل‌ها، جنگ و مبارزه با ستمکــاران بود، مثل جنگ جمــل و صفین و نهروان و گاهــی بهترین راه حل‌ها سکوت بود، مانند سکــوت امام، پس از درگذشت پیامبر (صی الله و علیه و آلــه و سلــم). چراکه امام رهبر معنوی امّت اسلام بودنــد و در رهبری‌های معنوی، هدف بالاتر از حفــظ مقــام و موقعیّت است و رهبر برای ایــن برانگیخته می‌شود که به هــدف تحقّق ببخشد و اگر روزی بر سر دو راهی قرار گرفت و ناچار شد که یکی را رها کند و دیگری را بگیرد، حتماً برای حفظ اصول و اساس هدف، باید از رهبری دست بردارد و هدف را مقدس‌تر از حفظ مقام خود و موقعیّت رهبــری خویش بشمارد. هدف از رهبری امــام، پرورش نهالی بود که پیامبر گرامی(صی الله و علیه و آلــه و سلــم) در سرزمین حجاز غرس کردند، تا نهال به مــرور زمان به‌صورت یک درخت تنومند درآیــد، ولی در آن موقعیّت جامعه براثر کوتاهی فکــر در برابر رهبریِ امام موانع و مشکلاتی ایجاد کردند و هیچ‌گاه امام برای حفظ مقام و موقعیّت خود، این نهال را از بین نبردند و تشخیص دادند که سکوت تنها راه حل این مسئله است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

روش‌های پرورش خرده‌مؤلفهٔ حل مسئله در سنّت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام)

الف- تدبّر (فکرکردن و اندیشیدن) دربارهٔ مسئله

یکـی از مراحل حل مسئله در سنت و سیرهٔ امام علـی (علیه‌السلام)، تدبّر(فکرکردن و اندیشیدن) دربـارهٔ یک مسئلـه است و این مرحلـه، سه مرحلهٔ تعریـف و ضابطه‌مندی مسائـل، رسیدن به راه حل‌هـای جانشیـن، و تصمیم‌گیری نظریهٔ روان‌شناسان را دربر دارد و کامل‌تر از آن است. امام علی (علیه‌السلام) دربارهٔ اهمیّت تفکّر و اندیشه در حل مسائل می‌فرمایند: «الفِکرُ یَهدی اِلی الرِّشاد»: «فکـر و اندیشه به‌سوی راه درست هدایت می‌کند». همچنین، می‌فرمایند: «الفِکرُ یُفیدُ الحِکمَة»: «فکـر، حکمـت را برای انسان بـه ارمغان می‌آور». نیـز می‌فرمایند: «الفِکرُ جِـلاءُ العُقول»: فکر، جلاءدهنـدهٔ عقل‌هـا است»؛ «الفکرُ فی الأمـرِ قَبلَ مُلابَسَةِ یؤمنُ الزّلَـلَ»: «اندیشه‌کردن و فکر در کـار، پیش از دست‌زدن بدن، از لغـزش ایمن می‌سازد» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۲، صص ۲۹۲-۲۹۱). همچنیـن، می‌فرماینـد: «لَیسَتِ الرَوِّیَةُ کَالمُعایَنَـةِ مَع الاَبصار فَقَد تَکذِبُ العُیـونُ اَهلَها وَ لا یَغُشُّ العَقـلُ مَنِ استَنصَحَـهُ» (نهج‌البلاغه، حکمت۲۸۱): «اندیشیدن ماننـد دیدن با چشم نیست؛ زیرا گاهـی چشم‌ها به بیننـده دروغ می‌گویند، اما هرگز عقل به کسی که از آن نصیحت بخواهد خیانت نمی‌کنـد». در جایی دیگر می‌فرمایند: «بالفِکرِ تَنجَلی غَیاهِـبُ الاُمورِ»: «تاریکی‌ها به‌وسیلهٔ فکر برطرف می‌شود» (آمدی، ۱۳۷۷، ج۲: ص ۲۹۳)؛ «عَلَیکَ بِالفِکرِ فَإنَّهُ رُشدٌ مِنَ الضِّلالِ وَ مُصلِحُ الأعمـال»: «بر تو باد به فکـر و اندیشه که به‌راستی فکر و اندیشه راهیابی از گمراهی و اصلاح‌کنندهٔ کارها است (آمدی، ۱۳۷۷، ج۲: ص ۲۹۵). امام می‌فرمایند: «العَقلُ یُحسِنُ الرَوِیّة»: «عقل، فکر و اندیشه را نیکو می‌کند» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۱۴۰)؛ بنابراین، برای خوب اندیشیدن به نیروی عقل نیازمندیم پس باید راه‌های کسب نیروی عقل را در نظر بگیریم.

از دیدگـاه امام علی (علیه‌السـلام) عقل خصلتی است که به‌سبب علم و تجربه افزون می‌شود. امام در این‌باره می‌فرمایند: «اَلعَقلُ غَریزَةٌ تَزیدُ بِالعِلمِ وَ التّجارِبِ» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۱۴۲). در جایـی دیگر می‌فرماینـد: «العَقلُ وَ الشَّهوَةُ ضِدّان وَ مُؤیِّدُ العَقلِ العِلـمُ وَ مُزَینُ الشَّهوَةِ الهَوی وَ النَفـسُ مُتَنازِعَةٌ بَینَهُما فَأیُّهُما قَهَرَ کانت فی جانِبِهِ» (آمدی،۱۳۷۷: ج۲، ص ۱۴۴). عقل و شهوت هر دو مخالف یکدیگرند، علم یاری‌دهندهٔ عقل است و هوی و هوس آرایش‌دهندهٔ شهوت، و نفس در این میان مورد نزاع این دو است و هرکدام غلبه کرد نفس در طرف او خواهد بود (آمدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۱۴۱). بـه فرمودهٔ امام علی(علیه‌السلام) برای عاقل‌شدن باید به کسب علم پرداخت و از هوی و هوس‌ها دوری کرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

امـام علی (علیه‌السلام) چهار راه را بـرای فراگیری علم بیان می‌فرمایند که عبارت‌اند از: تصور و فهـم، سؤال و پرسـش، یادگرفتن و آموختن و هم‌نشینی با دانشمنـدان. امام علی(علیه‌السلام) در این‌بـاره می‌فرماینـد: «لِقاحُ العِلمِ التّصَـوُّرُ وَ الفَهمُ»: «بارورشدن علم به تصـور (صورت آن را در ذهـن‌آوردن و مجسّم‌ساختـن) و فهم آن است» (آمـدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۱۸۰)؛ «مَـن فَهِمَ عَلِمَ غَورَ العِلم»: «کسی‌که بفهمد (و دارای فهم و درک صحیح باشد)، به نهایت علم و دانش می‌رسد» (آمـدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۱۶۵)؛ «بِالتَعَلُّم یُنالس العِلمُ»: «به یادگرفتن و آموختن است که انسان به علم نائل می‌شود» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۱۷۲). در جایی دیگر می‌فرمایند: «مَن لَم یَتَعَلَّم لَم یَعلَم»: «کسی که تعلیم نکند و علم نیاموزد عالم نشود (یعنی بدون درس‌خواندن و فراگرفتن کسی عالم نمی‌شود» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۱۸۱). درمورد سؤال و پرسش می‌فرمایند: «إسئَل تَعلَم»: «سـؤال کن تا بیامـوزی» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۱۸۶). «مَن سَئِلَ عَلِـمَ»: «کسی که سؤال کند دانـا می‌شود» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۱۸۷). درمورد نقـش هم‌نشینی با دانشمندان می‌فرمایند: «جالِسِ العُلَما تَزدَد عِلماً» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۱، ص ۱۸۶). با دانشمندان هم‌نشین شو تا بر دانشت افزوده شود.

ب- توکّل بر خداوند

یکـی از مراحل حل مسئله در سنت و سیـرۀ امام علی (علیه‌السلام) توکل بر خداوند متعال است، این مرحله در نظریۀ روان‌شناسان وجود ندارد. امام علی (علیه‌السلام) دربارۀ نقش توکّل در افزایش توانایـی در حل مسئله می‌فرمایند: «مَن تَوَکّلَ عَلی اللهِ اَضائَت لَهُ الشُبُهاتُ وَ کُفِیَ المُومناتِ وَ اَمِنَ التّبِعـاتِ»: «کسـی که بر خدا توکّل کند، تاریکی شبهات بـر او روشن می‌شود و اسباب پیروزی او فراهـم شود و از مشکلات رهایی یابد». (آمـدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۵۷۵). توکّل بر خدا، هوش و قـدرت تفکّر را می‌افزایـد و روشن‌بینی خاصی به انسان می‌دهد؛ زیرا قطع‌نظر از برکات معنوی این فضیلـت، سبب می‌شود انسان در مشکـلات دستپاچه و وحشت‌زده نشود و قدرت بر تصمیم‌گیری را حفـظ کند و نزدیک‌ترین راه درمان و حل مشکـل را بیابد. همچنین، می‌فرمایند: «التّوَکُّلُ حِصنُ الحِکمـة»: «توکّـل قلعۀ حکمـت و فرزانگی اسـت» (آمـدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۵۷۲)؛ «بِحُسنِ التّوَکُّـلِ یَستَدَلُّ عَلی حُسـنِ الایقانبه»: «توکّل نیکو راهنمایی شود بر یقیـن نیکو» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۵۷۳).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

ج- مشورت‌کردن

در سنـت و سیرهٔ امام علـی (علیه‌السلام) مشورت‌کردن یکی از راه‌های رسیدن به بهترین راه حل‌ها اسـت. ایـن مرحله نیز در نظریـهٔ روان‌شناسان نیامده اسـت. مشورت‌کردن دربـر گیرندهٔ هر چهار مرحلـهٔ نظریـهٔ روان‌شناسـان است. یعنی انسـان می‌تواند بـا مشورت‌کردن با دیگـران به تعریف و ضابطه‌بنـدی مسئلـه، رسیدن بـه راه حل‌های جانشینـی، تصمیم‌گیری و انجـام و تصریح راه حل، نظـارت و ارزیابی راه حل‌ها و پاسخ‌های مقابله‌ای به‌طور مؤثر دست یابد. امام علی (علیه‌السلام) دربـارهٔ مشورت می‌فرمایند: «اَذا اَمضَیتَ اَمراً فَامضِهِ بَعدَ الرّوِیَة وَ مُراجَعَة المَشوَرَة وَ لا تُؤخِر عَمَلَ یَـومٍ اِلـی غَدٍ وَ امضِ لِکُلِّ یَومٍ عَمَلَهُ»: «پیش از آنکـه تصمیم بگیری اندیشه کن، پیش از آنکه اقدام کنـی، مشاوره و رایزنی کـن و پیش از آنکه ناگهان وارد کاری شوی تدبّر کن» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۲۹۳). همچنیـن، می‌فرماینـد: «وَ لا ظَهیرَ کَالمُشاوَرَة». «هیـچ پشتیبانی چون مشورت کردن نیسـت» (نهج‌البلاغه، حکمت ۵۴). لزوم مشورت برای رسیدن به بهترین راه حل‌ها بر هیچ عقلی پوشیده نیست.

مهـارت حل مسئله، توانایی سازگـاری فرد را با محیط اطراف خویـش، مشکلات فردی و بین فردی افزایش می‌دهد. دزوریلا[1] و شیدی[2] (۱۹۹۵) راهبردهای حل مسئله را فرایند شناختی-رفتاری ابتکـاری هر فـرد می‌دانند که به‌وسیلهٔ آن، شخص راهبردهای مؤثـر و سازگارانهٔ مقابله‌ای برای حل مشکلات روزمرهٔ خود، تعیین، کشف یا ابداع می‌کند.

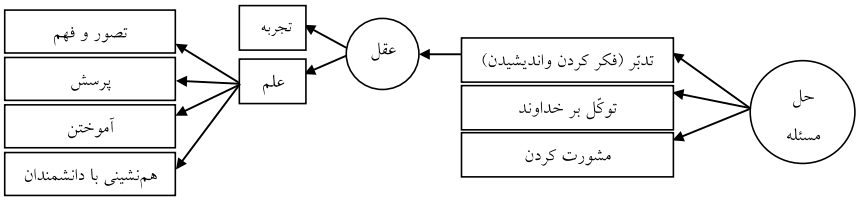

شکل۲. روش‌های پرورش مؤلفهٔ حل مسئله در سنت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام)

خرده‌مؤلّفهٔ آزمون واقعیّت در سنّت و سیرهٔ امام علی(علیه‌السلام)

مؤلّفـهٔ آزمـون واقعّیت، بـارـان دربـارهٔ توانایی دیـدن واقعیّت‌ها اسـت. اما در سنّـت و سیرهٔ امام علی(علیه‌السـلام)، امام انسـان را علاوه‌بر واقعیّت‌ها به حقیقت‌ها نیـز رهنمود می‌کنند. امام علی

1. Dzurilla,T.J.
2. Sheedy,C.F.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

(علیه‌السلام) توانایی بسیار بالایی در دیدن و شناسایی حقیقت‌ها و واقعیّت‌ها دارند و این مطلب در جای‌جای زندگانی گهربارشان به‌وضوح می‌درخشد که چند نمونه از آن آورده شده است: حضرت دربارهٔ سیاست شیطانی قرآن بر سر نیزه‌کردن می‌فرمایند: «هذا امرٌ ظاهِرُهُ ایمانٌ و باطِنُهُ عُدوانٌ وَ اوّلُهُ رَحمَةٌ وَ اخِرُهُ نَدامَةٌ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۲): «ظاهر این امر، ایمان و باطنش دشمنی با خدا است، آغازش رحمت و پایانش پشیمانی است». امام به‌خوبی پی برده‌اند که بر سر نیزه‌کردن قرآن‌ها یک حقیقت نیست بلکه واقعیّت این امر یک نیرنگ شیطانی برای فریب‌دادن مسلمانان است.

امام علی(علیه‌السلام) در معرفی طلحه و زبیر و رفتارشان می‌فرمایند: «اِنّ مَعِیَ لَبَصیرَتی، ما لَبَستُ وَلا لُبِسَ عَلَیَ وَ اِنّها لَلفِئَةُ الباغِیةُ فیها الحَمَاُ وَالحُمَّةُ و الشُبهَةُ المُغدِفَةُ وَاِنّ الاَمرَ لَواضِحٌ وَقَد زاحَ الباطِلُ عَن نِصابِهِ وَ انقَطَعَ لِسانُهُ عَن شَغَبِهِ» (نهج‌البلاغه، خطبه۱۳۷): «من به کار و راه خود بصیرت کامل دارم، نه کار را بر کسی مشتبه کردم و نه کسی توانست آن را بر من مشتبه کند، اینان همان قوم ستمکارند و کارشان شبهه‌افکندن است، قطعاً حقیقت مطلب روشن است و درخت باطل از ریشه برکنده و زبانش بریده شده است». حضرت به بیان توانایی خویش در تشخیص واقعیّت‌ها و حقیقت‌ها می‌پردازند و می‌فرمایند: من نه حقایق را با بطلان به هم می‌آمیزم که دیگران را منحرف کنم و نه خودم دچار انحراف در تشخیص حق و باطل می‌شوم. اما طلحه و زبیر این چنین‌اند و کارشان تحریف واقعّیت‌ها است.

امام دربارهٔ علل سقوط و انهدام امّت می‌فرمایند: «وَ قَد تَرَونَ عُهودَ اللهِ مَنقوضَةً فَلا تَغضَبونَ!... یَعمَلونَ بِالشُّبُهات و یَسیرونَ فی الشَّهوات» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۶): «اینک می‌بینید که عهدهای خدا را می‌شکنند و به خشم نمی‌آیید! درحالی‌که آنان به شبهه‌ها عمل می‌کنند و در شهوت‌ها ره می‌سپارند». امام (علیه‌السلام) با توانایی بسیار بالایی به‌درستی و به‌سرعت حقیقت را از باطل و تحریف حقیقت تشخیص می‌دهند و به مردم می‌فرمایند: ای مردم از عوامل سقوط امت‌ها عمل‌کردن به شبهه‌ها و تحریف حقایق است و بدین وسیله مردم را از افتادن در شبهه‌ها انذار می‌دهند.

پس از قتل عثمان وقتی مردم خواستند با امام (علیه‌السلام) بیعت کنند، در علل نپذیرفتن خلافت فرمودند: مرا واگذارید و دیگری را بجویید. زیرا ما به استقبال حادثه‌ای می‌رویم که چهره‌ها و رنگ‌های گوناگون دارد، رویدادی است که دل‌ها بر آن نمی‌ایستند و عقل‌ها بر آن پایدار نمی‌ماند. آفاق حقیقت را (در دورهٔ خلفای گذشته) ابر سیاه پوشانده و راه مستقیم، ناشناخته مانده و منکر دانسته شده است (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۹۲). امام مردم را دربارهٔ اینکه در دوران خلفای گذشته

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

وقایعــی اتفــاق افتاده که این وقایع هماننــد ابر سیاه جلوی واقعیّت‌هــا و حقیقت‌ها را گرفته است و حقایــق ناشناخته مانده است آگاه می‌کنند. این سخنــان امام، آشکارکنندۀ قدرت میزان انطباق‌دادن ایشان بین واقعیّت و حقیقت با وقایع است.

امــام در جایی دیگر می‌فرماینــد: «الا اِنَّ الشَّیطانَ قَد جَمَعَ حِزبُهُ وَاستَجلَــبَ خَیلَهُ وَ رَجِلَهُ وِاِنَّ مَعِی لَبَصیرَتی ما لَبَستُ عَلَی نَفسِی وَلا لُبِّسَ عَلَیَّ» (نهج‌البلاغه، خطبه۱۰): «آگاه باشید که شیطان حزبــش را جمــع کرده و افراد سواره و پیادۀ خود را حاضر آورده، بی‌تردید من بصیرتم را با خود دارم و هرگز حقیقت را بر خود مشتبه نساختم و کسی نیز آن را بر من مشتبه نکرد». امام (علیه‌السلام) به بیان توانایی خویش در تشخیص حق و باطل و سنجش بالای میزان تطبیق بین آنچه تجربه کرده‌اند و آنچه واقعاً وجود دارد می‌پردازند.

راه‌های رسیدن به حقیقت و واقعیّت در سنّت و سیرۀ امام علی (علیه السلام)

– لــزوم ضــرورت تلاش و کوشش مداوم برای رسیدن به حق: از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) تنهــا افــرادی به حقیقت دست می‌یابند کــه در راه رسیدن به آن از هیچ کوششــی دریغ نورزند. امام علی(علیه‌الســلام) در این‌بــاره می‌فرمایند: «وَ لا یَدرِکُ الحــق الاّ بِالّجد»: «جز با تلاش و کوشش نمی‌توان به حق رسید» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص۴۱). بنابر فرمایش گهربار امام علی (علیه‌السلام) تلاش و کوشش مداوم برای رسیدن به حقیقت انسان را به نتیجه می‌رساند.

– لــزوم صبر و استقامت و تحمــل مشکلات برای رسیدن به حق: شناسایی حقیقت و معرفی و مطرح‌کردن آن مشکلات فراوانی در پی‌دارد. ازنظر امام علی (علیه‌السلام) باید همۀ این مشکلات را بــه جــان خرید و در دفاع از حقیقــت به استقبال شکنجه‌ها و تبعیدشدن‌هــا و مهاجرت‌ها و دفاع و جهــاد و اســارت و زنــدان و شهادت رفت. زیرا به فرمــودۀ امام باطل فــراوان و حق اندک است و طرفــداران حق خوار و ذلیل‌انــد. امام می‌فرمایند: «وَ اعلَموا رَحِمَکُمُ اللــه أنَّکُم فِی زَمانٍ القائِلُ فیهِ بِالحقِّ قَلیلٌ وَ اللِّسانُ عَنِ صِّدقِ کَلیلٌ وَ اللّازِمُ لِلحَقِّ ذَلیلٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۳).

– پیــروی از اولیای خــدا و اهل بیت پیامبــر و تکیه‌نکردن بر نادانی خویــش و پیروی‌نکردن از هــوای نفــس: از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) انسان با پیــروی از اولیای الهی می‌تواند به حقیقت دســت یابد، در این‌باره می‌فرماینــد: «شبهه‌ها را ازاین‌رو شبهه نامیدند که بــه حق شباهت دارد اما اولیــای خــدا چراغشان در فضای شبهه‌ناک یقین است و راهنمایی‌شــان خود راه هدایت است و اما دشمنان خدا در شبهه‌ها به ضلالت فرا می‌خوانند و راهنمایی‌شان کوری است» (نهج‌البلاغه، خطبۀ ۳۸). از دیدگــاه امــام (علیه‌السلام) راه رسیــدن به حقیقت پیروی از اولیــای خدا است. همچنین،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

می‌فرماینـد: «ای مردم! از شعلهٔ چراغ آن پنددهنده‌ای که خود پندپذیر است روشنایی بگیرید، و از آن چشمـهٔ زلالی که تیره و گل‌آلود نشده برای خـود آب برگیرید. ای بندگان خدا! بر نادانی خویش تکیه نکنید و فرمانبردار هوای نفس خویش نشوید، زیرا هرکه بر نادانی خویش تکیه زد و پیرو هوای نفـس شـد بر لبهٔ پرتگـاه هلاکت نشسته است. چنیـن کسی بار هلاکت خویـش را بر دوش گرفته از جایـی به‌جـای دیگر می‌برد، زیرا هربار اندیشـهٔ باطل تازه‌ای پدید مـی‌آورد و می‌خواهد آنچه را نمی‌چسبـد بچسباند، و آنچه را نزدیک نمی‌شود نزدیک سازد! » (نهج البلاغه، خطبهٔ ۱). در جایی دیگـر در بیـان پیروی از خودشان برای رسیدن به حقیقـت می‌فرمایند: «این مذاهب شما را به کجا می‌برنـد! تـا کی تاریکی‌های ضلالت شما را متحیّر می‌کنـد و وعده‌های دروغ شما را می‌فریبد این مصیبـت از کدامین سو بر سر شما می‌آید و به کدامین قصـد از صراط مستقیم منحرف می‌شوید؟ بدانید هر زمانی را سرنوشتی و هر غیبتی را بازگشتی است. پس از عالم ربّانی که در میان شما است بشنویـد، و دل‌های خـود را به حضور برید و اگر شما را خواند بیـدار شوید. هر طلایه‌داری باید به مردمش راست بگوید و پراکنده‌خاطری را از خود بزداید و ذهنش را مهیا کند. او حقیقت امر را برای شمـا همچون مهره شکافت و مانند گرفتـن صمغ از درخت از آن فرو نگذارد» (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۰۸). منظـور امـام از عالم ربّانی در اینجا خودشان هستند که حقیقـت امر را برای مردم همچون مهره می‌شکافند. بنابر فرمایش گران‌بهای امام علی (علیه‌السلام) پیروی از اولیای الهی و اهل بیت پیامبـر و پیروی‌نکـردن از نادانـی خویش و هوی و هوس انسان‌ها را به حقایـق و واقعیت‌های عالم هستی می‌رساند و انسان دانا به حقایق سازگار می‌شود.

– عبرت از حوادث عبرت‌آموز و عقوبت قیامت و تقوای الهی: از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) اگـر کسـی از حوادث عبرت‌آموز و عقوبت‌های قیامت عبرت گیـرد به حقیقت دست می‌یابد. امام در این‌باره می‌فرمایند: «کسی که حوادث عبرت‌آموز عقوبت‌هایی را که در پیش دارد، برایش روشن سـازد، تقـوا نمی‌گذارد که در شبهه‌ها فرو افتد» (نهج‌البلاغه، خطبـهٔ ۱۶). بنابر فرمایش گران‌بهای امام علـی (علیه‌السلام) عبرت از حوادث عبرت‌آموز و عقوبت قیامت سبب کسب ملکهٔ تقوا شده و تقـوا انسـان را به حقایق و واقعیت‌هـا رهنمون می‌کند و کسی که به حقایـق عالم دست یابد بهتر می‌تواند در برابر مشکلات فردی و همچنین در روابط بین فردی با دیگران سازگاری داشته باشد.

– لزوم پرهیز از خیال‌بافی و داشتن برهان از پروردگار و یا حجتی آشکار: امام علی (علیه‌السلام) یکـی از راه‌هـای رسیدن بـه حقیقت‌ها و واقعّیت‌هـا را پرهیز از خیالات احمقانـه و داشتن حجّت آشکـار معرّفـی می‌کند و در هشدار به اهل نهروان و در تلاش بـرای هدایت ایشان به‌سوی حقیقت می‌فرماینـد: «من شما را هشدار می‌دهم از اینکه فردا در اطراف این رود و در میان این بیابان پست

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

بر روی خاک افتاده باشید، بی‌آنکه برهانی از پروردگارتان و یا حجتی آشکار به همراه داشته باشید، شمـا به‌راستی مردمی سبک‌مغز، سفیه و غرق در خیـالات احمقانه‌اید» (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۳۶). امـام (علیه‌السـلام) خوارج را بـه واقع‌نگری و پرهیـز از خیال‌بافی دعوت می‌کننـد و راه رسیدن به واقعیّت را به همراه داشتن برهان ازسوی پروردگار یا داشتن حجتی آشکار معرفی می‌کنند.

– آگاهـی از ماهیّـت فتنه‌ها و لزوم بصیرت در مقابله با فتنـه: از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) انسان باید ماهیّت فتنه‌ها را بشناسد و در برابر آنها بصیرت داشته باشد تا به حقیقت دست یابد، ایشان دربـارهٔ ماهیّت فتنه‌ها می‌فرماینـد: «هنگامی‌که فتنه‌ها روی می‌آورند شبیه حـق (و موجب اشتباه) هستند و آنگاه که می‌روند و (پایان می‌یابند) هشیار می‌کنند و (حقیقت خود را می‌نمایانند). فتنه‌ها ناشناخته‌شده می‌روند. مانند گردباد می‌چرخند و شهری را ویران می‌کنند و شهری را وا می‌گذارند» (نهج‌البلاغـه، خطبهٔ ۹۳). امام با آگاهی‌دادن از ماهیّت فتنه‌ها، و مورد توجّه قراردادن انسان دربارهٔ لزوم داشتن بصیرت در مقابله با آنها، مردم را به‌سوی رسیدن به حقیقت راهنمایی می‌کنند.

در جای دیگری دربارهٔ لزوم بصیرت می‌فرمایند: «حقایق پوشیده برای اهل بصیرت آشکار شده و راه حق برای اشتباه‌کنندگان نمایان شده است» (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۰۷).

– پرهیز از دنیا: امام در لزوم پرهیز از دنیا برای رسیدن به حقیقت می‌فرمایند: «شما را از دنیا بر حـذر می‌دارم؛ زیرا جایگاهی است برای کوچ‌کردن و نه خانه‌ای برای اقامت‌گزیدن. خود را به امور فریبنده آراسته و مردمان را با زیورش فریفته» (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۱۳). امام ماهیت دنیا را فریبنده معرفی می‌کنند که انسان را با زیورهایش می‌فریبد و او را از حقایق دور می‌کند.

– لـزوم پرهیـز از حجاب‌های پندار ایـن عالم: علت عدم مشاهدهٔ حـق در دنیا، حجاب پندار اسـت. در ایـن عالم حس و محسوسات، افکاری بر انسان غالب می‌شـود. غرایز انسان که از حال تعـادل خـارج می‌شود مانند شهوت و غضب و وهم، او را در عالمی از پندار فرو می‌برد که بین او و ادراک حقیقت فاصله می‌اندازد و این پندار مخالف با واقع است. این پندارها، اوهام این عالم است که برخلاف اصالت واقع در او پدید آمده بود و وجه خلقی دارد، و آن حقایق راجع به آن عالم است کـه وجـه الهی دارد (حسینی طهرانی، ۱۳۶۱: ج ۵، قسمـت ۴). انسان اسیر توهّمات و ناهشیار به ناهشیـاری‌اش و حقیقت پنداری توهّماتش اسـت. ۹۹ درصد افراد اسیر توهّمات خودشان هستند که تا آخر عمرشان ادامه پیدا می‌کند و به همین شکل از دنیا می‌روند و اقلیّتی بسیار اندک پرده‌های تاریـک توهّمات را به کناری زده و به اشـراق و روشن‌بینی و بصیرت رسیده و اینان عاقل، بینا و آزاد از توهّمـات هستند. مغز و ذهن دوگانـهٔ انسان تمایل ناهشیارانه و شدیداً اتوماتیک دارد که به کرّات دچـار ویـروس گرفتگی و اشتباهات شناختی شود که صاحبش را به گرداب‌های عظیم ناشی از این

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

نـوع خطاهای شناختـی می‌اندازد و برای درمان و حـذف این نوع اشتباهـات شناختی، ما ساکنان زمین باید به منبع شادی و مهر و محبّت و عشق (خالق) که از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است توجّه کنیـم نه به موجودات مادّی بیمار و اسیـر توهّماتشان؛ زیرا همهٔ چیزهایی که دیده می‌شوند هیچ‌اند درحالی‌که آنکه دیده نمی‌شود همه‌چیز است. پس ما انسان‌ها باید به آن نادیدنی مستمراً نگاه کنیم کـه دیدنی‌ها در مقایسه با آن نادیدنی اصالتی ندارند (ناظـم، ۱۳۸۷). امام علی (علیه‌السلام) نیز راجع به پندارهای باطل این دنیا می‌فرمایند: «بدانید فردا به امروز نزدیک است...گویی نفخهٔ صور برایتـان فـرا رسیده و قیامت شمـا را فرا گرفته و برای قضـاوت و حسابرسی از گور بیـرون آمده‌اید، درحالی‌کـه پندارهـای باطل از شما دور شـده، و بهانه‌هایتان از میان رفتـه، و حقایق برایتان آشکار گشته و کارهایتان شما را به آنجا که باید، برده است» (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۵۷). امام (علیه‌السلام) در این بیان می‌فرمایند که در هنگام قیامت پندارهای باطل دنیا از شما دور می‌شود و حقایق برایتان آشکار می‌شود.

امام علی (علیه‌السلام) برای دورشدن از پندارهای باطل و حجاب‌های پنهان این عالم راه‌هایی را پیـش روی انسان قـرار می‌دهند که عبارت‌اند از: الف) دعوت مردم بـه تقوای الهی و اطاعت از پروردگـار؛ ب) پشت‌کـردن به دنیا؛ ج) مهار نفس و شهوت‌هـا؛ د) نگریستن به امور با دیدهٔ عقل. امـام در این‌بـاره می‌فرمایند: «بندگان خـدا! شما را به تقوای الهی و اطاعـت او سفارش می‌کنم که سبب نجات در فردای قیامت است... دنیا نزدیک‌ترین خانه به خشم خدا و دورترین آن از خشنودی خداونـد است، پس ای بندگان خدا! از غصه‌ها و سرگرمی‌های آن چشم بپوشید... ای بندگان خدا! بپرهیزید همچون کسی که بر نفس خویش چیره گشته و شهوتش را بازداشته و با دیدهٔ عقل در امور می‌نگرد، زیرا حقیقت آشکار است» (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۶۱). امام در این خطبه می‌فرمایند: «اگر تقـوا پیشـه کنید و خدا را اطاعت کنید و به دنیا پشت کنیـد و نفس و شهوت خویش را مهار کنید و بـه امور عاقلانه بنگرید حقیقت آشکار است». ه) درخواسـت از خداوند: خود امام برای رهایی از پندارهـای باطل دست به دعا برداشته‌اند و می‌فرماینـد: «اللهمَّ اَرِنِي الاَشیاء کَما هِیَ»: «ای خدای مـن، حقیقت اشیا وموجودات را همان‌طـور که هست بنما و نشان بده» (بخشی از دعایی است که سید علی قاضی و صاحب بحرالعلوم از امام علی نقل کرده‌اند).

ـ پرهیـز از غفلـت از خود: امام می‌فرماینـد: «بندگان خدا! روزگار همان‌گونـه که بر پیشینیان گذشـت بر بقیه نیز می‌گذرد. آنچه رفته بازنگردد و آنچه هست برای همیشه باقی نمی‌ماند، در آخر همان‌گونـه عمـل می‌کند که در آغاز کرد. حوادث از یکدیگر پیشی گرفته در می‌رسد و پرچم‌هایش پشت‌درپشـت هـم قرار دارد. گویا در قیامت حاضر شده‌اید و چون ساربانی که شترهای آب‌کش را

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

می‌راند، قیامت نیز شما را می‌راند، پس هرکس از خود غافل شود و به چیز دیگری پردازد در تاریکی متحیّر و سرگردان و در مهلکه‌ها گرفتار شود و شیطان‌هایش او را به سرکشی وادارند وکارهای بدش را در نظرش بیارایند» (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۵۷). امام به انسان راجع‌به دورشدن از حقیقت هشدار می‌دهنـد و می‌فرماینـد: اگر ای انســان از خودت و از قیامــت غفلت کنی و به چیـز دیگری به‌جز توشــه برگرفتن برای قیامت بپردازی، در تاریکی‌ها متحیّـر و سرگردان می‌شوی و شیطان‌هایت تو را بــه سرکشــی وا می‌دارند و کارهای بدت را در نظرت زیبا جلوه می‌دهند، پس غفلت از آخرت سبب سرگردانــی می‌شود و حیرت و سرگردانی علت فریفته‌شدن توسط شیطان است و شیطان انسان را از واقعیّت‌هــا و حقیقت‌هــا دور می‌کند؛ بنابراین، انسانی که از حقیقــت خویش و توشه برگرفتن برای قیامت غفلت کند، توسط شیطان فریفته می‌شود و از حقایق دور می‌شود و انسان دورشده از حقایق (ارزش و کرامت انسانی و قیامت) در برابر مشکلات این دنیا سازگاری کمتری دارد و همچنین، در برابر انسان‌های دیگر، به‌سبب فراموشی قیامت و کرامت نفسانی خویش، نمی‌تواند سازگاری داشته باشد؛ چراکه چنین فردی فقط این دنیا برایش بااهمیت است.

ـ پرهیـز از خودفریبی: امام علی(علیه‌السلام) خودفریبــی را مانعی برای رسیدن به حقیقت‌ها می‌داننـد و نمونــه‌ای از خودفریبــی را بیان می‌کننـد. از دیدگاه امــام علی (علیه‌الســلام) عجب و خودبینــی، سبــب خودفریبی انسان می‌شــود و او را از حقایق دور می‌کند؛ زیــرا انسان خودپسند و خودبیــن خــود را در حــدّ اعلای کمال می‌داند و همیــن مسئله سبب فریب خویشتــن می‌شود و از حقایــق دورش می‌کنــد به همین علت امام علی (علیه‌السلام) عجــب را زیان‌بارترین همراه و قرین انســان معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «العُجبُ اَضَرُّ قرینٍ» (آمدی، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۷۸) و عجب را سبــب تباهی عقــل معرفی می‌کنند: «العُجــبُ یُفسِدُ العَقــل»: «خودبینی عقــل را تباه می‌کند» (همــان: ص ۷۸). همچنین، می‌فرمایند: «اَلاِعجابُ ضِــدُّ الصّواب»: «خودپسندی ضد درستی و صــواب و مخالــف آن است» (همان: ص ۷۸). این موضوع در روان‌شناسی نیز مطرح شده است و دیدن پدیده‌ها آن‌گونه که نیستند، گسترهٔ خودفریبی نامیده می‌شود. انسان خودپسند و خودبین دچار خودفریبی شده و از حقایق و واقعیّت‌های خود و اطرافش دورشده است و در برابر مشکلات محیط و افراد دیگر نمی‌تواند سازگار باشد.

طبــق مدل هوش هیجانی بــار-ان داشتن مهارت آزمون واقعیّت سبب سازگاری فرد با دیگران و شرایــط و مشکلات مختلف می‌شود. آزمون واقعیت یعنی توانایی انطباق بین آنچه فرد تجربه کرده و آنچــه واقعــاً وجود دارد، تلاش بــرای فهم امور به‌طور صحیح و تجربــهٔ رویدادها آن‌گونه که واقعاً هستنــد بدون خیال‌پردازی (بار-ان، ۲۰۰۶). سنت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام) علاوه‌بر توانایی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

در دیـدن واقعیّت‌ها، انسان را به توانایـی در کشف و دیدن حقیقت‌ها نیز رهنمون می‌کند؛ بنابراین، طبـق سنّت و سیرۀ امام علی (علیه‌السلام) توانایی در دیدن حقیقت‌ها و واقعیّت‌ها انسان را سازگار می‌کند.

نتیجه‌گیری

خرده‌مؤلفـۀ انعطاف‌پذیری در سنّت و سیرۀ امام علی (علیه‌السلام) بررسی شد. روش‌های پرورش خرده‌مؤلفـۀ انعطاف‌پذیـری در سنّـت و سیرۀ امام علی (علیه‌السلام)، کسـب صفت رفق و مدارا و آگاهـی، شناخت و پذیـرش تفاوت‌های بین فردی است. در سنت و سیـرۀ امام علی (علیه‌السلام) رفـق و مدارا با مردم و با نفس بـه هنگام عبادت مستحبّی ممدوح است ولی مدارا با عیب دوست و بـرادر و گنـاه دیگران مذموم و ناپسند است. طبق مؤلفۀ انعطاف‌پذیـری مدل بار-ان، انسان باید در همـۀ شرایط انعطاف‌پذیر باشد درحالی‌که طبق سنّـت و سیرۀ امام علی (علیه‌السلام) نباید همه‌جا انعطاف‌پذیر بود. از منظر ایشان اصل مدارا تا جایی روا است که مستلزم ارتکاب به حرام یا اخلال بـه اصـول امربه‌معروف و نهی‌ازمنکـر نباشد و عامل انعطاف‌پذیری، عقایـد و اصول اسلام را دربر نگیرد و هنگام ظلم و گناه و تجاوز به حقوق دیگران نباشد که دراین‌صورت، انعطاف‌پذیری مذموم و ناپسند است و مداهنه نامیده می‌شود.

خرده‌مؤلفـۀ حل مسئله، در سنّت و سیرۀ امام علی (علیه‌السلام) بررسی شد. توانایی امام علی (علیه‌السلام) در خرده‌مؤلفۀ حل مسئله در سراسر زندگانی گهربارشان چه در هنگام زندگانی پیامبر اکـرم (صلی‌اللـه و علیـه و آله و سلـم)، چه در دوران خلفـای راشدین و چه در هنگـام خلافتشان به‌وضـوح آشکـار است. امـام علی (علیه‌السـلام) در همۀ مراحـل زندگی، مشکـلات را به‌خوبی شناسایی می‌کردند و بهترین راه حل‌ها را ارائه می‌دادند. روش‌های پرورش این خرده‌مؤلفه از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) عبارت‌اند از: فکر و اندیشه دربارۀ مسئله؛ توکّل بر خداوند و مشورت‌کردن با افراد واجد شرایط.

خرده‌مؤلفۀ آزمون واقعیّت در سنّت و سیرۀ امام علی (علیه‌السلام) بررسی شد. این خرده‌مؤلفه دربارۀ توانایی دیدن واقعیّت‌ها است، ولی امام علی (علیه‌السلام) توانایی بسیار بالایی در شناسایی و تشخیـص واقعیّت‌هـا و حقیقت‌ها دارند و انسان را علاوه‌بر واقعیّت‌هـا، به حقیقت‌ها نیز رهنمود می‌کننـد. روش‌های پـرورش توانایی در شناسایی حقایـق و واقعیّت‌ها در سنّـت و سیرۀ امام علی (علیه‌السـلام) عبارت‌انـد از: لزوم ضرورت و کوشـش مداوم برای رسیدن بـه حقیقت؛ لزوم صبر و استقامـت و تحمّـل مشکلات برای رسیـدن به حقیقت؛ عبرت از حـوادث عبرت‌آموز و عقوبت

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

قیامـت و تقـوای الهی؛ لزوم پرهیز از خیال‌بافی و داشتن برهان از پروردگار و یا حجّی آشکار؛ لزوم پیـروی از اولیـای خدا و اهـل بیت پیامبر و تکیه‌نکـردن بر نادانی خویـش و پیروی‌نکردن از هوای نفـس؛ لزوم پرهیز از دنیـا و حجاب‌های پندار این عالم و غفلت از خود و خودفریبی؛ بنابراین، هر سـه خرده‌مؤلفـهٔ سازگاری مدل هوش هیجانی بار-ان با درنظرگرفتـن برخی شروط مورد تأیید امام علی (علیه‌السلام) است.

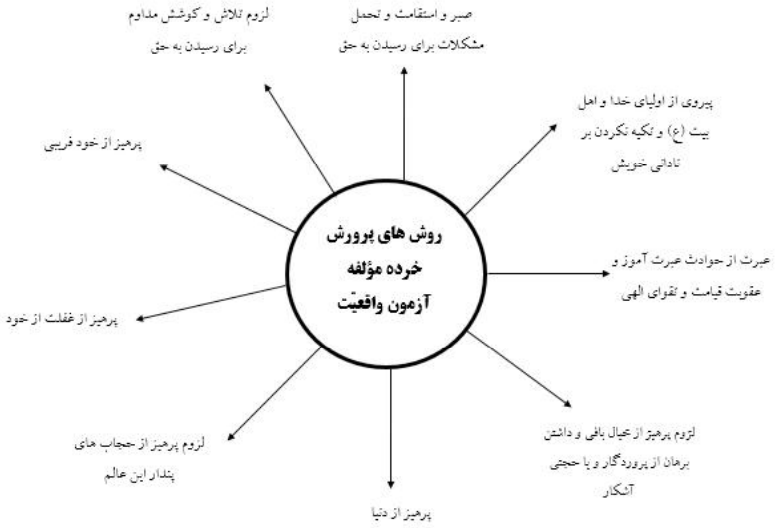

شکل۳. روش‌های پرورش مؤلفهٔ آزمون واقعیّت در سنت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام)

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

جدول۱. مؤلفهٔ سازگاری مدل هوش هیجانی بار-ان در سنت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام)

مدل بار-ان			امام علی (علیه‌السلام)
مؤلفه	خرده‌مؤلفه	تعریف	
سازگاری	آزمون واقعیت	سنجش میزان انطباق بین آنچه فرد تجربه کرده و آنچه واقعاً وجود دارد، تلاش برای فهم امور به‌طور صحیح و تجربهٔ رویدادها آن‌گونه که واقعاً وجود دارد، تلاش برای فهم امور به‌طور صحیح و تجربهٔ رویدادها آن‌گونه که واقعاً هستند بدون خیال‌پردازی.	مؤلفهٔ آزمون واقعیت بار-ان، توانایی دیدن واقعیت‌ها است، ولی امام علی (علیه السلام) توانایی بسیار بالایی در شناسایی و تشخیص واقعیّت‌ها و حقیقت‌ها دارند و انسان را علاوه‌بر واقعیّت‌ها، به حقیقت‌ها نیز رهنمود می‌سازند.
	انعطاف‌پذیری	توانایی منطبق‌کردن عواطف، افکار و رفتار در موقعیت‌ها و شرایط دائماً درحال تغییر.	امام علی (علیه‌السلام) انسانی انعطاف‌پذیر بودند و مردم را به انعطاف‌پذیری دعوت کرده‌اند با این شرط که انعطاف‌پذیری، وادادگی و عقب‌نشینی از اصول و عقاید نباشد. روش‌های پرورش مؤلفهٔ انعطاف‌پذیری، در سنت و سیرهٔ امام، کسب صفت رفق و مدارا و آگاهی، پذیرش و شناخت تفاوت‌های بین فردی است. رفق و مدرارا به دو دستهٔ ممدوح و مذموم تقسیم می‌شود، مدارا با نفس و مردم ممدوح است و سازگاری با عیب دوست و برادر و گناه دیگران مذموم است.
	حل مسئله	توانایی شناسایی و تعریف مشکلات، داشتن کفایت و انگیزه برای مقابلهٔ مؤثر با آن، تعیین راه حل‌های مختلف مسئله تصمیم‌گیری و انجام یکی از راه حل‌ها.	امام علی (علیه‌السلام)، همواره در برابر مشکلات بهترین راه حل‌ها را اجرا می‌کردند. در سنت و سیرهٔ امام علی (علیه‌السلام) روش‌های پرورش مهارت حل مسئله آمده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

کتابنامه

۱. **قرآن کریم**.
۲. **نهج‌البلاغه**. ۱۳۸۷. ترجمهٔ علی شیروانی.
۳. آمـدی، عبد الواحد. ۱۳۷۷. **غررالحکـم و دررالکلم**. شرح و ترجمهٔ هاشم رسولی محلاّتی. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. ابـن ابی الحدیـد، عبد الحمید بن هبة اللـه. ۱۳۸۸. **ترجمه و شـرح نهج‌البلاغه ابن ابـی الحدید معتزلی**. ترجمهٔ غلامرضا لایقی. تهران. کتاب نیستان.
۵. اتکینسون و هیلگارد. ۱۳۹۲. **زمینهٔ روان‌شناسـی. ترجمه محسـن ارجمند و حسن رفیعی**. تهران. انتشارات ارجمند.
۶. امیـن، محسن. ۱۳۷۳. **سـیرهٔ معصومـان، امام علی (علیه‌السـلام). دوران خلافـت**. ترجمهٔ علی حجتی کرمانی. بی‌جا. ج ۲. انتشارات سروش.
۷. بمانعلی منگابادی، دهقان؛ غلامیان، محسن. ۱۳۹۱. «**انعطاف‌پذیری احکام شـریعت اسـلامی از دیدگاه قرآن و احادیث نبوی**». لسان صدق. شمارهٔ ۲. صص ۵۴-۲۹.
۸. تسخیری، محمدعلی. ۱۳۹۲. «**تجدید در اندیشـهٔ اسـلامی و انعطاف‌پذیری در شـرع**». پژوهشگاه جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. پرتال جامع علوم انسانی و علوم اسلامی.
۹. ثابتی، فهیمه؛ شهنی ییلاق، منیژه. ۱۳۷۷. «**تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی در کاهش ناسازگاری‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسـر ناسازگار دبستانی اهواز**». مجلهٔ علوم تربیتی و روان‌شناسی. شمارهٔ ۳ و ۴. ص ۱.
۱۰. جعفری، یعقوب. ۱۳۶۸. «**خوارج در گذرگاه تاریخ ۴: علی و خوارج**». نشریهٔ فلسفه و کلام. درس‌هایی از مکتب اسلام. سال ۲۹. شمارهٔ ۱۱. صص ۴۵-۳۸.
۱۱. حجـازی، سارا؛ امیری، شعله؛ محمدیان، احمدیار؛ ملک پور، مختار. ۱۳۸۵. «**بررسـی اثربخشـی آموزش گروهی حل مسـئله بر میزان سـازگاری اجتماعی زنـان مبتلا به اختلالات خلقـی دو قطبی**». دوفصلنامهٔ تحقیقات علوم رفتاری. دورهٔ ۴. شمارهٔ ۱و۲. صص ۵۸-۵۲.
۱۲. حسینی تهرانی، هاشم. ۱۳۶۱. **عقاید الانسان**. بی‌جا. نشر هاشم حسینی تهرانی.
۱۳. خوانسـاری، جمال. ۱۳۵۹. **شـرح غررالحکم و غررالکلم**. تهران. مؤسسـه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران. چاپ دوم.
۱۴. سبحانـی تبریـزی، جعفر. ۱۳۵۵. «**فرازهایی حسّـاس از زندگانی امیر مؤمنان: امـام یگانه مرجع فکری و رهبر قضائی بود**». مجلهٔ درس‌هایی از مکتب اسلام. سال ۱۷. شمارهٔ ۱۱. صص ۱۶-۱۰.
۱۵. ــــــــــــــ. ۱۳۶۷. «**جنگ جمل: علی در سرزمین خاطره‌ها ربذه**». نشریهٔ درس‌هایی از مکتب اسلام. سال ۲۸. شمارهٔ ۱. صص ۲۶-۲۰.
۱۶. شاملـی، نصرالله. ۱۳۹۱. **معناشناسـی واژه‌هـای اخلاقـی نهج‌البلاغـه**. اصفهان. حوزهٔ علمیـهٔ قم و دفتر تبلیغات اسلامی. شعبهٔ استان اصفهان.
۱۷. عالـم زاده، محمـد. ۱۳۹۱. **به کجا و چگونـه؟ نیم‌نگاهی به آرمان کمال و راه رسـیدن به آن**. قم. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۱۸. عـلاء الدین علی بن حسام معروف به متقی هندی. ۱۳۷۴. **کنز العمال فی سـنن الاقوال و الافعال**. بیروت. ضبطه و فسر غریبه الشیخ بکری حیانی.
۱۹. فرهودیـان، علی. ۱۳۸۴. «**انعطاف‌پذیری سـازگاری و نشـانه‌های روان‌پزشـکی**». تازه‌های علوم شناختی. سال هفتم. شمارهٔ ۲۵. صص ۷۵-۷۴.
۲۰. فـولادی، عزّت اله.۱۳۸۳. **مشـاوره همتایان؛ چشـم اندازها، مفاهیم بهداشـت روان و مهارت ها**. چاپ سوم. تهران. انتشارات طلوع دانش.
۲۱. گنجـی، محمدبـن یوسـف.۱۴۰۴ق. **کفایـة الطالب فـی مناقب علی بـن ابیطالـب علیه السـلام**. محقق محمدهادی امینی .تهران. انتشارات دار احیاء تراث اهل البیت علیهم السلام.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]

۲۲. کلینی، محمدبن یعقوب. ۱۳۸۸. **فروع کافی**. ترجمه گروه مترجمان.قم. انتشارات قدس.
۲۳. لیثی واسطی، علی بن محمد. ۱۳۷۶. **عیون الحکم و المواعظ**. محقق حسین حسنی بیرجندی. قم. مؤسسهٔ علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر.
۲۴. محفوظی، محمد صمد؛ جان بزرگی، منصور. ۱۳۷۷. **بررسی رابطهٔ سلسله‌مراتب ارزش‌ها و سلامت روانی**. تهران. مؤسسهٔ پژوهشی ابن سینا.
۲۵. خطبه غدیر. ترجمهٔ حسین حسینی. ۱۳۸۴. چاپ هفتم. نشر زادنگار.
۲۶. منتظری، حسینعلی. ۱۳۶۲. «**درس‌هایی از نهج‌البلاغه(خطبه سی و یکم) سرسختی طلحه و انعطاف‌پذیری زبیر**». فلسفه و کلام: پاسدار اسلام. شمارهٔ ۲۱. صص ۸-۶.
۲۷. منتظری مقدم، حامد. ۱۳۸۱. «**روابط امام علی (علیه‌السلام) و معاویه (از خلافت تا جنگ صفین)**». معرفت. شمارهٔ ۵۲. صص ۵۵-۴۲.
۲۸. ناظم، ناصر. ۱۳۸۷. «**چند دفعه بخوانید ولی به‌راحتی باور نکنید: انسان اسیر توهّمات و ناهشیار، ناهشیاری‌اش و حقیقت‌پنداری توهّماتش و تزریق توهّمات به دیگران**». ادبیات و زبان‌ها. شمارهٔ ۵۷. صص ۶۳-۶۰.
۲۹. نراقی، محمد مهدی. ۱۴۲۲ق. **جامع السعادات**. بیروت. الاعلمی.
۳۰. نصربن مزاحم منقری. ۱۳۸۶. **پیکار صفین، تصحیح و شرح عبدالسلام محمدهارون**. ترجمهٔ پرویز اتابکی. بی‌جا. انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۱. نوری امام زاده ای، اصغر(۱۳۸۸). **هوش عاطفی در محیط کار، اصفهان: نشر نوشته.**
۳۲. نیلی پور، مهدی. ۱۳۸۵. **بهشت اخلاق بررسی ۳۱۳ واژهٔ اخلاقی**. بی‌جا. مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر(عج).

33. Bar-on,r. 1997. **Baron emotional quotient inventory: technical manual**. Toronto,multi-health system.
34. ——. 2006. **"The bar-on model of emotional-social intelligence (esi)"**. Psicothema.18. P 13-25.
35. Dzurilla, T. J.; Sheedy, C. F. 1995. "**The relations between social problem solving ability and subsequent level of academic competence in collgeg students**". Cognitive therapy and Research. Vol: 16. No. 5. P 589-599.
36. Eliot, T. R.; Sherwin, E.; Harkins, S. W. 1995. **"Self-appraised problem solving ability, affective states and psychological distress"**.Journal of Counseling
37. Psychology. Vol. 42, No. 1. P 105-115.
38. Payne,j.ww.,Bettman,j.R, and Johnson,E.j.(1993)The adaptive decision maker. cambridge university press: Cambridge.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2025-04-14]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.3.7.7]